

چرا اسرائیل را سُخْم نزدیم؟

بازخوانی اندیشه های مقام معظم رهبری ^{دام‌ظله} درباره روش محو اسرائیل



نتانیا هو کتاب

«فلسطین» (حاوی اندیشه‌های رهبری
پیرامون نابودی اسرائیل) را خوانده و به
عنوان سند به سازمان ملل بُرده است

آیا تو هم خوانده‌ای؟

خانه اندیشه ولایت استان بوشهر





بسم الله الرحمن الرحيم

چرا اسرائیل را شخم نزدیم؟

بازخوانی اندیشه های مقام معظم رهبری دام ظلّه درباره روش محو اسرائیل



به همت خانه اندیشه ولایت استان بوشهر

نسخه موبایل

ویرایش اول



فهرست

- مقدمه: ۵
- اشنایی با رژیم صهیونیستی: ۷
- اسرائیل چگونه تشکیل شد؟ ۷
- هدف غربی ها از تشکیل رژیم صهیونیستی ۱۰
- چرا با اسرائیل دشمنیم؟ ۱۳
- مخالفت با ظلم ۱۳
- مخالفت با تبعیض نژادی ۱۵
- انسانی بودن مساله فلسطین ۱۶
- روش های رژیم صهیونیستی برای بقا: ۱۹
- مظلوم نمایی ۱۹
- جنایت بیشتر بوسیله مظلوم نمایی ۲۰
- عادی سازی رابطه با اسرائیل ۲۲
- سیطره ی صهیونیسم بر اغلب مراکز قدرت بین المللی، مالی و اقتصادی ۲۷
- سیطره ی صهیونیسم بر رسانه ها ۲۹
- درگیری میان مسلمانان ۳۰
- مسلمانان تحت سلطه صهیونیسم هستند ۳۱



- ۳۳ وضعیت فعلی رژیم صهیونیستی: وضعیت
- ۳۶ پایان بازدارندگی رژیم صهیونیستی
- ۳۸ تزلزل سیاسی
- ۴۰ تحولات جهانی در جهت تضعیف رژیم صهیونیستی
- ۴۱ نهضت فلسطین در سرحال ترین حالت ۸۰ سال اخیر
- ۴۳ تضمین شکست اسرائیل
- ۴۷ روش نابودی رژیم صهیونیستی:
- ۴۷ تقویت گروه های مقاومت، اصلی ترین کلید
- ۴۹ مقاومت یعنی چه؟
- ۵۰ مبارز فلسطینی می تواند اسرائیل را شکست دهد
- ۵۲ وحدت
- ۵۷ ملت ها، کلید حل مشکل فلسطین
- ۵۹ همه پرسى از همه ادیان و اقوام فلسطینی
- ۶۴ عدم اعتماد به غربی ها
- ۶۵ حساب صهیونیسم از یهود جداست
- ۶۶ حمایت ایران از مبارزه با صهیونیسم
- ۶۸ شبهات:
- ۶۸ مقاومت در برابر اسرائیل جواب نمی دهد و باید بازنگری کرد



فلسطین یک مساله داخلی/محلّی است و ربطی به ما ندارد .. ۷۲

ما از فلسطینی ها که فلسطینی تر نیستیم..... ۷۳

فلسطینیان زمین های خود را قبلا فروخته اند ۷۶

خاتمه: ۷۹

انقلاب ایران، مادر همه انقلاب های اسلامی ۷۹



مقدمه:

پس از تهاجم نظامی رژیم صهیونیستی و ایالات متحده به خاک ایران ، جنگ اعلام نشده‌ای آغاز گردید. این درگیری که با آتش‌بسی موقت متوقف شد، در گفتمان سیاسی-نظامی جبهه مقاومت به «جنگ ناتمام» تعبیر می‌شود.

در اوج درگیری‌ها، شواهد میدانی حاکی از شکل‌گیری خواسته‌ای جمعی بود:

«نابودی کامل اسرائیل، بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی و تحویل آن به فلسطینیان»

این تصویر نمادین که در فضای مجازی و تجمعات مردمی بازتاب گسترده یافت، پس از اعلام آتش‌بس با پرسشی کلیدی مواجه شد: چرا نبرد علیه اسرائیل تا نقطه نهایی پیش نرفت؟



اما باید گفت برخلاف تصور عمومی فروپاشی رژیم صهیونیستی پروژه‌ای مرحله‌بندی‌شده است. و این جزوه در صدد : ارائه برنامه نابودی رژیم صهیونیستی توسط جبهه مقاومت است.

این جزوه از زبان مقام معظم رهبری دربرگیرنده: تاریخچه صهیونیسم، مکانیزم های بقا، وضعیت کنونی آن رژیم، نقشه راه نابودی صهیونیسم، و پاسخ به برخی شبهات می باشد.

اسرائیل را نه در یک نبرد، که در صد نبرد به هم پیوسته باید به زانو درآورد. سنگر به سنگر، خیابان به خیابان، تا نخست سنگ بنایش را بشکنیم؛ سپس با پنجه‌های مقاومت، رگ‌های حیاتش را پاره کنیم؛ آنگاه با اجماع امت اسلامی، طناب دارش را بر دیرک تاریخ ببندیم و سرانجام با فراندومی آتشین، نفس‌های واپسینش را در گلو خفه کنیم.



آشنایی با رژیم صهیونیستی:

اسرائیل چگونه تشکیل شد؟

طبق اسناد تاریخی، تشکیل حکومت صهیونیستی در آنجا، بیش از آنچه که آرزوی مردم یهود باشد، یک خواست استعماری دولت انگلیس بود. شواهدی وجود دارد که در همان زمان بسیاری از یهودی‌ها اعتقادشان این بود که احتیاجی به این دولت نیست؛ این دولت به نفعشان نیست؛ لذا گریزان بودند. بنا بر این، این یک آرزو و ایده ی یهودی نبود؛ بیشتر یک ایده ی استعماری و یک ایده ی انگلیسی بود^۱.

سرزمین فلسطین و قدس شریف، همواره مورد طمع بعضی از قدرتهای غربی بوده است



و تحمیل جنگ های طولانی صلیبیها علیه مسلمانان، نشان بارز اطماع آنها نسبت به این سرزمین مقدّس است. بعضی از فرماندهان ارتش متّفقین، پس از شکست عثمانی و ورود به بیت المقدّس گفتند: امروز جنگ های صلیبی به پایان رسید.^۲

آن روزی که دولتهای فاتح جنگ اوّل جهانی، منطقه ی غرب آسیا، یعنی قلمرو آسیای حکومت عثمانی را به عنوان مهم ترین غنیمت جنگی، میان خود در کنفرانس پاریس تقسیم میکردند، نیاز به یک پایگاه امن در قلب این منطقه را برای تضمین سلطه ی دائمی خود بیش از پیش احساس کردند. انگلیس از سالها



پیش از آن، با طرح بالفور زمینه را آماده کرده و با همفکری زرسالاران یهودی بدعتی به نام صهیونیسم را مهیای نقش‌آفرینی کرده بود؛ و اکنون زمینه‌های عملی آن فراهم میشد. از همان سالها مقدمات را بتدریج در کنار هم چیدند و سرانجام پس از دوّمین جنگ جهانی با استفاده از غفلت و گرفتاری دولتهای منطقه، ضربه‌ی خود را وارد آوردند و رژیم جعلی و دولتِ بدون ملّت صهیونیست را اعلام کردند. آماج این ضربه در درجه‌ی اوّل ملّت فلسطین و در درجه‌ی بعد همه‌ی ملّتهای این منطقه بودند.^۳



هدف غربی ها از تشکیل رژیم صهیونیستی

نگاه به حوادث بعدی منطقه نشان میدهد که هدف اصلی و نزدیک غربی ها و کمپانی داران یهودی از ایجاد دولت صهیونیست، بنای یک پایگاه حضور و نفوذ دائمی برای خود در غرب آسیا و امکان دسترسی نزدیک برای دخالت و تحمیل و تسلط بر کشورها و دولتهای این منطقه بود. از این رو رژیم جعلی و غاصب را به انواع امکانات قدرت آفرین -چه نظامی و چه غیر نظامی- حتی تسلیحات اتمی مجهز کردند و رشد این غدهی سرطانی را در پهنه ی نیل تا فرات در برنامه های خود گنجانده^۴.



دولت اسرائیل در این نقطه، قائم مقام حضور استکباری است، تا منافع استکبار را در این منطقه تأمین کند؛ قضیه این است.^۵

رژیم صهیونیستی را در این منطقه به وجود آوردند تا از طریق تحمیل یک درگیری طولانی‌مدت، مانع از ثبات و استقرار و پیشرفت منطقه شوند.^۶

^۵ ۱۳۷۰/۰۷/۲۷

^۶ ۱۳۹۵/۱۲/۰۳



هدف اسرائیل : از نیل تا فرات

رژیم صهیونیستی لبریز از کینه و غیظ است؛ نه فقط نسبت به ما؛ حالا ما که اهمّیت نمیدهیم، نسبت به جمهوری اسلامی که خب معلوم و واضح است، اما نسبت به کشورهای دیگر هم همین جور است. این جور نیست که رژیم صهیونیستی از کشورهای دُور و بر خودش خرسند و خشنود باشد؛ نه، آنها از مصر هم کینه دارند، از سوریه هم کینه دارند، از عراق هم کینه دارند. چرا؟ [چون] هدف آنها «از نیل تا فرات بود»؛ خب نشده. این کشورها در برهه‌های مختلف به دلایل مختلف نگذاشتند؛ [لذا] اینها سرشار از کینه‌اند، سرشار از غیظند.^۷



چرا با اسرائیل دشمنیم؟

مخالفت با ظلم

اینکه ما روی مسئله‌ی فلسطین این‌جور اصرار داریم، به‌خاطر این است. چون لازمه‌ی توحید این است که انسان در مقابل زورگویی ظالم به مظلوم بایستد؛ حقیقت توحید این است و بعثت این را به ما یادآوری میکند؛ و این مطمئناً پیشرفت هم دارد.

۸

نظام سیاسی اسلام با ظلم مخالف است، با ظالم مخالف است؛ خیلی ساده. دستور دارد «کونا لِلظَّالِمِ خَصْماً»؛ به ما گفته‌اند «کونا لِلظَّالِمِ خَصْماً». «امیرالمؤمنین، مظهر اسلام واقعی، وصیتش به عزیزترین عناصر عالم یعنی دو فرزندش این است که با ظالم دشمن باشید؛ با ظالم خصومت کنید؛ وَ لِلْمَظْلُومِ



عَوْنًا؛ این اوّل. خب اگر یک سیاستی در دنیا،
یک دستگاهی در دنیا، یک قدرتی در دنیا بر
اساس ظلم بنا شده، خب معلوم است با این
نظام مخالف است؛ چون میداند این [نظام]
خصمش است. بنای رژیم صهیونیستی بر ظلم
است، اصلاً مبتنی بر ظلم است؛ یک ملّت را از
خانه و زندگی‌شان بیرون کرده‌اند، [آن هم] نه
با پول و درخواست، [بلکه] با تفنگ و با شکنجه
و با باتوم، و جای آنها نشسته‌اند. مبنایش ظلم
است. خب این رژیم قهراً با نظامی که «کونا
لِلظَّالِمِ خَصْماً» را تابلو کرده و بالای سرش نگه
داشته مخالف است؛ طبیعی است.^۹



مخالفت با تبعیض نژادی

نقطه‌ی بعدی؛ نظام اسلامی معتقد به کرامت انسان است؛ انسان بماهو انسان، نه انسان فلان منطقه، انسان فلان نژاد، انسان فلان رنگ. وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ؛ ما بنی آدم را تکریم کردیم؛ این قرآن است؛ سیاه منطقه‌ی سیاه‌پوست هم «بَنِي آدَمَ» است؛ هیچ فرقی ندارد. این منطقِ تبعیضی که غربی‌ها این منطق را به شکل فضاحت‌باری گسترش دادند و عمل کردند و تا امروز هم دارند ادامه می‌دهند، صد درصد ضدّ قرآن و ضدّ اسلام است؛ نظام اسلامی با این مخالف است. خب شما میخواهید آمریکا، که هنوز که هنوز است بعد از گذشت دویست سیصد سال، سیصد چهارصد سال از آغاز ورود غربی‌ها به آمریکا، [که] هنوز مسئله‌ی تبعیض نژادی در آنجا وجود



دارد، شما میخواهید این رژیم [آمریکا و اسرائیل]، این نظام با نظام اسلامی مهربان باشد؟ خب نظام اسلامی مخالف با این چیزها است. این هم یک خصوصیت^{۱۰}.

انسانی بودن مساله فلسطین

مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی صرفاً اسلامی نیست، یک مسئله‌ی انسانی است؛ یعنی در دنیا هر کسی - چه مسلمان، چه غیر مسلمان - واقعیت‌های حوادث فلسطین را بداند، با رژیم غاصب طرف خواهد شد، مقابله خواهد کرد. امسال که بخشی از جنایات رژیم غاصب فلسطین یعنی رژیم اسرائیل و برخی فجایعی که ایجاد کرده بودند، برای دنیا آشکار شد، دیدید که اجتماعات مردم و تظاهرات مردم در



روز قدس، دیگر مخصوص دنیای اسلام نبود؛ یعنی در غیر دنیای اسلام هم، حتی در اروپا، حتی در خود آمریکا، خیلی‌ها تظاهرات کردند، از فلسطینی‌ها حمایت کردند؛ قضیه این‌جور است؛ مسئله، مسئله‌ی انسانی است. چطور میشود که یک فرد اروپایی که دولتش دلبسته و وابسته‌ی به رژیم صهیونیستی است، به نفع مردم فلسطین و علیه رژیم صهیونیستی در خیابان شعار بدهد؟ این قضیه‌ی خیلی مهمی است.^{۱۱}

مسئله‌ی فلسطین یک مسئله‌ی انسانی است، بیرون کردن میلیون‌ها انسان از خانه و مزرعه و محلّ زندگی و کسب خود، آن هم با قتل و جنایت، هر وجدان انسانی را آزرده و متأثر



می‌کند و در صورت داشتن همّت و شجاعت به مقابله وادار می‌سازد. پس محدود کردن آن به یک مسئله‌ی صرفاً فلسطینی و حدّاکثر عربی، خطایی فاحش است. آنها که سازش چند عنصر فلسطینی یا حکّام چند کشور عربی را مجوّز عبور از این مسئله‌ی اسلامی و انسانی می‌شمزند، بشدّت دچار خطا در فهم مسئله و احیاناً دچار خیانت در تحریف آنند^{۱۲}.



روش‌های رژیم صهیونیستی برای بقا :

مظلوم‌نمایی

نکته‌ی سوّم پیرامون طوفان الاقصی : این دشمن خبیث و ظالم، حالا که سیلی را خورده، سیاست مظلوم‌نمایی در پیش گرفته، دیگران هم کمکش میکنند؛ رسانه‌های دنیای استکبار کمکش میکنند، برای اینکه نشان بدهند این مظلوم است. البتّه این هم یک محاسبه‌ی غلط است که حالا بعد خواهیم گفت؛ این مظلوم‌نمایی، صد درصد خلاف واقع و دروغ است. چون مجاهدان فلسطینی توانستند خود را از محاصره‌ی غزه بیرون بیاورند، خلاص کنند و برسند به مراکز نظامی و غیر نظامی صهیونیست‌ها، او مظلوم است؟ این رژیم غاصب هر چه هست، مظلوم نیست؛ ظالم



هست، متجاوز هست، جاهل هست، یاوه‌گو هست، همه‌ی اینها هست، اما مظلوم نیست؛ ظالم است. هیچ کس نمیتواند از این هیولای دیوسیرت چهره‌ی یک مظلوم بسازد^{۱۳}.

جنایت بیشتر بوسیله مظلوم نمایی

نکته‌ی چهارم پیرامون طوفان الاقصی: این مظلوم‌نمایی را رژیم اشغالگر بهانه قرار داده است برای اینکه بتواند باز به ظلم مضاعفِ خودش ادامه بدهد. حمله به غزه، حمله به خانه‌های مردم، حمله به غیر نظامیان، قتل‌عام و کشتار دسته‌جمعی مردم غزه؛ این مظلوم‌نمایی دستاویزی است برای اینکه باز بتواند این جنایات را چند برابر کند؛ با مظلوم‌نمایی می‌خواهد این جنایات خودش را



توجیه کند. عرض کردم، این هم یک محاسبه‌ی غلط است. سران و تصمیم‌گیران رژیم غاصب و حمایت‌کنندگان‌شان بدانند که همین کار، بلای بزرگ‌تری بر سر آنها خواهد آورد؛ بدانند واکنش این ظلم‌ها سیلی سنگین‌تری بر رخسار زشت آنها است. عزم جوانان شجاع فلسطینی، عزم ازجان‌گذشتگان فلسطینی، با این جنایتها استوارتر میشود؛ امروز این جور است. گذشت آن روزی که کسانی می‌آمدند بلکه بتوانند با زبان، با نشست و برخاست با ظالم، برای خودشان در فلسطین یک موقعیتی ایجاد کنند؛ آن زمان دیگر گذشت. امروز فلسطینی‌ها بیدارند، جوانها بیدارند، طراحان فلسطینی با مهارت کامل مشغول کارند. بنابراین، این محاسبه‌ی دشمن هم غلط است که خیال میکند [باید] مظلوم‌نمایی کند تا بتواند حمله‌ی



جنایت‌کارانه‌ی خودش را ادامه بدهد. البته دنیای اسلام در مقابل این جنایتها نبایستی ساکت بمانند، بایستی عکس‌العمل نشان بدهند.^{۱۴}

عادی سازی رابطه با اسرائیل

آیا ما مشاهده میکنیم که سران کشورهای اسلامی و مسئولان کشورهای اسلامی، درباره‌ی غزه به تعلیم قرآن و معرفت قرآنی عمل میکنند؟ قرآن به ما میفرماید که «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ [آیا درباره‌ی غزه به این آیه عمل میشود؟ چرا سران کشورهای اسلامی علناً مخالفت خودشان، قطع رابطه‌ی خودشان، قطع کمکها و پشتیبانی‌های خودشان از کافر



مُقاتِلِ خبیثِ صهیونیست را اعلام نمیکنند؟
 قرآن میفرماید که «لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَ عَدُوَّكُمْ
 أَوْلِيَاءَ»؛ آیا امروز در دنیا به این [آیه] عمل
 میشود؟ قرآن میفرماید که «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ
 رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ»؛ آیا این شدّت عمل، در مقابل
 رژیم خبیث صهیونیستی نشان داده میشود؟
 امروز اینها دردهای بزرگ دنیای اسلام است .
 خدای متعال از آحاد ملت‌های مسلمان مؤاخذه
 میکند که چرا بر دولتهای خودشان فشار
 نیاوردند، و از دولتهای مسلمان مؤاخذه میکند
 که چرا عمل نکردند. إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ
 قَاتَلَوْكُمْ فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجَوْكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ... أَنْ
 تَوَلَّوْهُمْ . اینها همه معارف قرآنی است؛^{۱۵}



سیاست عادی‌سازی حضور رژیم صهیونیستی در منطقه یکی از عمده‌ترین سیاست‌های ایالات متّحدهی آمریکا است. برخی دولتهای عربی منطقه که نقش پادوی آمریکا را ایفا میکنند، در این باره به تهیّهی مقدمات لازم آن، از قبیل ارتباطات اقتصادی و امثال آن پرداخته‌اند؛ این تلاشها یکسره عقیم و بی‌نتیجه است. رژیم صهیونیستی زائده‌ای مهلک و زیان‌بخش برای این منطقه است و بی‌یقین ریشه‌کن و ازاله خواهد شد، و بی‌آبرویی و سیه‌رویی برای کسانی خواهد ماند که امکانات خود را در خدمت این سیاست استکباری نهاده‌اند. برخی برای توجیه این رفتار زشت، استدلال میکنند که رژیم صهیونیستی واقعیّتی در منطقه است، بی‌آنکه به یاد آورند که با واقعیّتهای مهلک و زیان‌بخش باید مبارزه کرد



و آن را ازاله کرد. امروز کرونا یک واقعیت است و همه‌ی انسانهای باشعور، مبارزه با آن را واجب میدانند. ویروس دیرپای صهیونیسم، بی‌گمان از این پس دیری نمیپاید و به همت و ایمان و غیرت جوانان از این منطقه ریشه‌کن خواهد شد.^{۱۶}

امروز بعضی از کشورهای حاشیه خلیج فارس، بزرگترین خیانت را به تاریخ خود و تاریخ کشورهای عربی مرتکب شدند. یعنی اسرائیل را که غاصب یک کشور اسلامی و یک ملت عرب است، در غصب و در ظلمش تأیید کردند و از آن حمایت نمودند. شناسایی اسرائیل، یعنی این! آنها تحریمهای اسرائیل را برطرف میکنند و این خیانت به ملت‌های اسلامی و ملت‌های عرب،



و بزرگترین خیانت به ملت فلسطین است. آیا حکومت‌های کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، از این خیانت خواهند گذشت؟ آیا ملت‌های این کشورها، از خیانتِ سردمداران اغماض خواهند کرد؟^{۱۷}

نظر قطعی جمهوری اسلامی این است که دولتهایی که قمار عادی‌سازی [روابط] با رژیم صهیونیستی را برای خودشان سرمشق و شیوهی کار قرار میدهند، دارند اشتباه میکنند، ضرر خواهند کرد؛ باخت منتظر اینها است؛ به قول اروپایی‌ها دارند روی اسب بازنده شرط‌بندی میکنند. امروز وضع رژیم



صهیونیستی وضعی نیست که مشوّق نزدیکی به او باشد؛ نباید این اشتباه را بکنند.^{۱۸}

سیطره ی صهیونیسم بر اغلب مراکز قدرت بین المللی، مالی و اقتصادی

ما امروز مواجه هستیم با يك جبهه ی دشمني بزرگ در سراسر دنيای قدرتمندان؛ این جبهه اي است که شکل گرفته است در مراکز قدرت بین المللی، قدرتهای مالی و اقتصادی، که غالباً هم در مشّت صهیونیستها و سرمایه دارهای بزرگست. این جبهه در مقابل نظام اسلامي از همه ی وسائل استفاده مي کند و در داخل هم متأسّفانه کسانی به اینها جواب مي دهند؛ کسانی مي شوند طرف مورد اعتماد آنها، حرف آنها را تکرار مي کنند، به آنها پاس مي دهند،



برای این که آنها بتوانند به نظام جمهوری اسلامی ضربه بزنند! يك چنین حالتی متأسفانه وجود دارد؛ لیکن در مقابل آن، بیداری مردم، آگاه ی مردم، انگیزه ی مردم، حضور مردم، دینداری مردم، علاقی همندی مردم به مبانی نظام و پایه های نظام وجود دارد. اینها حقایقی است که در جمهوری اسلامی وجود دارد و ما پیش رفتیم. ما در طول این سالهای متمادی، خدا را شکر می کنیم که پیش رفتیم.^{۱۹}



سیطره ی صهیونیسم بر رسانه ها

تبلیغات دشمن و عمده ی این تبلیغات، دست صهیونیستهاست. خبرگزاریهای معروفی که در دنیا وجود دارند، اغلبشان متعلق به صهیونیستها هستند. بعضی از رادیوهای معروف دنیا هم، متعلق به آنهاست. صهیونیستها هم در این منطقه، مثل سگ زنجیری استکبار عمل می کنند. پارس کردن و پاچه گرفتن و به این و آن پریدن، شأن صهیونیستهاست. از آنها، غیر از این هم انتظاری نیست و البته، کسی هم اهمیتی به آنها نمی دهد؛ اما اگر کسی به وضع تبلیغات اینها در برهه های مختلف نگاه کند، چیزهای شگفت آوری را احساس می کند.^{۲۰}



درگیری میان مسلمانان

نکته‌ی مهمی که نباید از نظر نخبگان سیاسی و نظامی جهان اسلام دور بماند، سیاست آمریکا و صهیونیست‌ها در انتقال درگیری‌ها به پشت جبهه‌ی مقاومت است. راه‌اندازی جنگ‌های داخلی در سوریه، و محاصره‌ی نظامی و کشتار شبانه‌روزی در یمن، و ترور و تخریب، و تولید داعش در عراق، و قضایای مشابه در برخی دیگر از کشورهای منطقه، همگی ترفندهایی برای سرگرم کردن جبهه‌ی مقاومت و فرصت دادن به رژیم صهیونیست است. برخی سیاستمداران کشورهای مسلمان نادانسته و برخی دانسته در خدمت این ترفندهای دشمن قرار گرفته‌اند. راه جلوگیری از اجرای این



سیاست خباثت‌آمیز، عمدتاً خواست و مطالبه‌ی جدّی جوانان غیرتمند در سراسر جهان اسلام است. جوانان در همه‌ی کشورهای اسلامی بویژه کشورهای عربی، نباید توصیه‌ی امام خمینی عظیم را از نظر دور بدارند که فرمود: هر چه فریاد دارید بر سر آمریکا - و نیز البته دشمن صهیونیست - بکشید^{۲۱}.

مسلمانان تحت سلطه صهیونیسم هستند

قرآن البته برای قدرتهای فاسد تهدید محسوب میشود؛ همین‌طور که عرض کردیم، هم ظلم را محکوم میکند، هم انسان زیر ستم را ملامت میکند که چرا تن به ستم‌پذیری داده. این برای



قدرتهای ظالم خطرناک است؛ بله، قرآن این خطر را برای آنها دارد، این تهدید را برای آنها دارد. این کسانی هم که حالا به بهانه‌ی آزادی بیان و این حرفهای تکراری دروغ غلط این کارها را توجیه میکنند، پیش مردم دنیا آبروی خودشان را میبرند. آیا در این کشورهایی که اجازه داده میشود به قرآن اهانت بشود، اجازه میدهند به نمادهای صهیونیستی تعرض بشود؟ چه جوری و با چه زبانی [بهتر از این] میتوان اثبات کرد که اینها تحت تأثیر سلطه‌ی صهیونیست‌های غاصب و ظالم و جنایت‌کار و غارتگر دنیا هستند؛ چه آنهایی که در آن سرزمین غصبی زندگی میکنند، چه آنهایی که در جاهای دیگر زندگی میکنند؟^{۲۲}



وضعیت فعلی رژیم صهیونیستی:

جمهوری اسلامی پیشران حرکت‌های مقاومتی در این منطقه‌ی حسّاس شده... ببینید! تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی این رژیم حقیر صهیونیستی میتوانست در ظرف شش روز ارتش چند کشور نسبتاً قوی دُور و بَر خودش را زمین‌گیر کند؛ مصر را، سوریه را، اردن را. در ۱۹۶۷ در جنگ شش‌روزه، ارتش صهیونیست توانست ارتش‌های مجهّز این سه کشور را زمین‌گیر کند و مبالغ زیادی از خاک اینها را هم تصرّف کند؛ صدها کیلومتر مربّع از خاک این سه کشور را گرفت. عین همین قضیه در سال ۱۹۷۳ اتفاق افتاد؛ آنجا این کشورهای مصر و سوریه توانستند از یک غافلگیری استفاده کنند، اوّل کار یک حرکتی انجام بدهند؛ ولی بلافاصله باز توانست آنها را محاصره کند، باز هم آنها را شکست داد؛ یعنی رژیم صهیونیستی جوری بود که سه کشور، با همه‌ی ارتششان حریف او نمیشدند و او در ظرف ۶ روز آنها را زمین‌گیر میکرد. بعد از انقلاب اسلامی، کار به جایی رسید که همین رژیم ۳۳ روز



همه‌ی تلاش خودش را کرد که حزب‌الله را در لبنان شکست بدهد، نتوانست و مجبور شد با فضاحت فرار کند؛ در مقابل حزب‌الله نتوانست مقاومت بکند. فاصله‌ی قبل از انقلاب و انقلاب، فاصله‌ی جنگ شش‌روزه و جنگ سی‌وسه‌روزه است. امروز کار به جایی رسیده که در داخل سرزمین‌های اشغالی فلسطین، در منطقه‌ی غرب رود اردن، خود جوانها جوری حرکت میکنند، جوری حمله میکنند که رژیم صهیونیستی را عاجز میکنند و عاجز کرده‌اند^{۲۳}.

طلوع انقلاب اسلامی در ایران، فصل جدیدی در مبارزه‌ی برای فلسطین گشود. از اوّلین قدمها یعنی بیرون راندن عناصر صهیونیست که ایرانِ دورانِ طاغوت را یکی از پایگاه‌های امن خود می‌شمردند و سپردن محلّ سفارت غیر رسمی رژیم صهیونیست به نمایندگی فلسطین و قطع جریان نفت، تا کارهای بزرگ و فعّالیتهای گسترده‌ی سیاسی، همه موجب پدید آمدن «جبهه‌ی مقاومت» در کلّ



منطقه شد و امید به حلّ مسئله در دلها شکفت. با ظهور جبهه‌ی مقاومت، کار بر رژیم صهیونیستی سخت و سخت‌تر شد - و البته در آینده بسی سخت‌تر هم خواهد شد ان‌شاءالله - ولی تلاش حامیان آن رژیم و در رأس آنان آمریکا در دفاع از آن هم بشدّت افزایش یافت. پیدایش نیروی مؤمن و جوان و فداکار حزب‌الله در لبنان و تشکیل گروه‌های پُرانگیزه‌ی حماس و جهاد اسلامی در درون مرزهای فلسطین نه تنها سردمداران صهیونیست بلکه آمریکا و دیگر ستیزه‌گران غربی را هم مضطرب و سراسیمه کرد و یارگیری از درون منطقه و از درون جامعه‌ی عربی را در صدر برنامه‌های آنان پس از پشتیبانی‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری از رژیم غاصب قرار داد. نتیجه‌ی کار پُرچشم آنان، امروز در رفتار و گفتار بعضی سردمداران دولتهای عربی و برخی فعالان خائن سیاسی و فرهنگی عرب، آشکار و جلوی چشم همه است.^{۲۴}



پایان بازدارندگی رژیم صهیونیستی

در این قضیه‌ی پانزدهم مهر [عملیات طوفان‌الاقصی] به این طرف، رژیم غاصب صهیونیستی، هم از لحاظ نظامی، هم از لحاظ اطلاعاتی، یک شکست غیر قابل ترمیم خورده؛ شکست را همه گفتند، تأکید من به «غیر قابل ترمیم بودن» است. من می‌گویم این زلزله‌ی ویرانگر توانسته است بعضی از سازه‌های اصلی حاکمیت رژیم غاصب را ویران کند که تجدید بنای آن سازه‌ها به این آسانی امکان‌پذیر نیست. بعید است که رژیم غاصب صهیونیستی با همه‌ی های‌وهویی که میکند، با همه‌ی حمایت‌هایی که امروز در دنیا از سوی غربی‌ها از او میشود، بتواند آن سازه‌ها را ترمیم کند. من عرض می‌کنم از شنبه‌ی پانزدهم مهر، رژیم صهیونیستی [دیگر] رژیم صهیونیستی



قبلی نیست و ضربه‌ای که خورده است به این آسانی قابل جبران نیست^{۲۵}.

به نظر بنده این‌جور است که امروز قدرتِ بازدارندگی رژیم صهیونیستی به پایان رسیده؛ همان چیزی که ده‌ها سال پیش، شاید حدود شصت سال قبل از این، بن‌گوریون - یکی از مؤسّسین اصلی رژیم صهیونیستی و نخست‌وزیر این رژیم - هشدار داد. او گفت که هر وقتی قدرت بازدارندگی ما به پایان برسد، رژیم ما مضمحل خواهد شد. قدرت بازدارندگی الان به پایان رسیده یا نزدیک به پایان است. خودشان هم میدانند، خودشان هم می‌فهمند که اضمحلال و انحلالشان نزدیک است، اگر اتّفاقی رخ ندهد؛ این به برکت مقاومت است؛



این به برکت این است که جوان فلسطینی توانست قدرت بازدارندگی دشمن خودش را مدام ضعیف کند، کم کند، کم کند، نابود کند.^{۲۶}

تزلزل سیاسی

ژیم صهیونیستی - که او هم دشمن دیگر ما است - در عمر هفتادوپنج ساله‌ی خودش هرگز گرفتاری‌های هولناکی مثل امروز نداشته. اوّل «تزلزل سیاسی»؛ در چهار سال، چهار نخست‌وزیر عوض کردند؛ ائتلاف‌های حزبی هنوز درست شکل نگرفته متلاشی میشوند. ائتلاف درست میکنند، بعد از مدّت کوتاهی، ائتلاف متلاشی میشود. حزبهایی که از قبل تشکیل شده‌اند یا دارند تشکیل میشوند، بتدریج دچار



انحلال میشوند، منحل میشوند؛ یعنی آن قدر ضعیف میشوند که مثل انحلال است. دوقطبی شدیدی در سرتاسر رژیم جعلی وجود دارد؛ [اگر] الان ملاحظه کنید - بحث فلسطینی‌ها جدا است - بین خودشان دو قطبی است؛ این تظاهراتِ صدهزار نفری و دویست‌هزار نفری و بیشتر در تل‌آویو و در شهرهای مختلف دیگر، نشانه‌ی این است. حالا چهارتا موشک هم ممکن است به یک جایی بزند، [ولی] اینها جبران نمیکند آن قضیه را. به معنای واقعی کلمه دچار ضعف و تزلزل سیاسی است. اعلام شده که بزودی تعداد کسانی که از اسرائیل دارند خارج میشوند، یهودی‌هایی که خارج میشوند، به دو میلیون [نفر] میرسد. این را اعلان کردند؛ یعنی گفته‌اند در آینده‌ی نزدیکی،



حدود دو میلیون از [مناطق اشغالی] رژیم صهیونیستی خارج میشوند.»^{۲۷}

تحولات جهانی در جهت تضعیف رژیم صهیونیستی

مسئله‌ی اوّل، مسئله‌ی تحولات جهانی است. بنده مدّتی قبل گفتم که دنیا در معرض یک تحوّل سیاسی مهم است؛ یعنی وضع نظم جهانی در حال تغییر است که خب حالا این حرف دارد از جاهای مختلف شنیده میشود، تکرار میشود. من امروز میخواهم عرض بکنم که این تحوّل جهانی خوشبختانه در جهت تضعیف جبهه‌ی دشمنان جمهوری اسلامی است؛ این چیز مهمّی است. اوّلأ تحولات خیلی سریع دارد انجام میگردد؛ خیلی باسرعت؛ ثانیاً



با همین خصوصیتی که گفتم، [یعنی] در جهت تضعیف آن جبهه است؛ این تحولات تا کنون این‌جوری است. خب این چه چیزی را اقتضا میکند؟ اقتضا میکند که ما در مسئله‌ی سیاست خارجی، ابتکاراتمان را افزایش بدهیم؛ ابتکار و تحرّک و فعّالیّت و مانند اینها را باید افزایش بدهیم و از فرصت استفاده کنیم^{۲۸}.

نهضت فلسطین در سرحال ترین حالت ۸۰ سال اخیر

رژیم غاصب، رفتنی است. امروز نهضت فلسطین از همیشگی این هفتاد هشتاد سال سرحال‌تر است. مشاهده میکنید که امروز جوانان فلسطینی و نهضت فلسطینی، نهضت ضدّ غصب، ضدّ ظلم، ضدّ صهیونیسم از



همیشه بانشاطتر، سرحالتر و آماده‌تر است و ان‌شاءالله این نهضت به نتیجه خواهد رسید و همان‌طور که امام بزرگوار (رضوان الله علیه) از رژیم غاصب به «سرطان» تعبیر کردند، حتماً این سرطان به فضل الهی به دست خود مردم فلسطین و نیروهای مقاومت در کلّ منطقه ریشه‌کن خواهد شد؛ ان‌شاءالله^{۲۹}.



تضمین شکست اسرائیل

اما آینده چگونه است؟ اما آینده‌ی فلسطین و قدس چگونه است؟ من در این باره به شما مقداری آگاهی بدهم تا ملت ایران بداند همچنانی که یک طلسم شکست‌ناپذیر را در این منطقه شکست، یعنی بزرگ‌ترین دژهای مستحکم را در منطقه‌ی خاورمیانه بلکه در سراسر آسیا توانست متلاشی کند، دژ بزرگ و نیرومند امپریالیست؛ یعنی حکومت جبار و غاصب پهلوی را توانست در منطقه شکست بدهد، همچنین این طلسم دوم را که به صورت یک قدرت افسانه‌ای درآمده است، انقلاب ما خواهد شکست و از بین خواهد برد. این را باید ما از وعده‌ی خدا بیاموزیم. خدای متعال در سوره‌ی بنی‌اسرائیل خطاب به بنی‌اسرائیل میکند: «لَتُفْسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَ لَتَعْلَنَّ



علوّاً کبیرا» ای فرزندان اسرائیل! شما دو روز و دو بار در تاریخ فساد ایجاد میکنید و بزرگی در زمین به وجود می‌آورید و استعلاء و استکبار به خرج میدehید، امّا در هر دو بار کسانی از بندگان خدا، از جنود پروردگار پیدا میشوند که شما را به سزای فساد و علوّ و استکبارتان برسانند و این قضیّهی همیشه‌زنده‌ی تاریخ است. هر امتی که با صلاح، با سلاح حقّ و حقیقت و عدالت‌طلبی حاضر شود راه طبیعی سنّت‌های تاریخ را بپیماید، خدا به او کمک خواهد کرد، امّا هر ملّتی که فساد کند، بر مستضعفین طغیان کند، ارزش‌های انسانی را ندیده بگیرد، آن ملّت محکوم به فنا و نابودی است.^{۳۰} مبارزه برای آزادی فلسطین، جهاد فی



سبیل الله و فریضه و مطلوب اسلامی است. پیروزی در چنین مبارزه‌ای تضمین شده است، زیرا فرد مبارز حتّی در صورت کشته شدن هم به اِحدى الحُسَنین دست یافته است.^{۳۱}

ما امیدواریم؛ امید ما به لطف الهی و به نصرت الهی تمام نمیشود. در همین آیه‌ی شریفه فرمود: **وَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ**؛ در آیه‌ی دیگری فرمود: **وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ**؛ این تأکید الهی است. نصرت الهی ان شاء الله شامل حال مردم فلسطین خواهد بود و دنیای اسلام، به لطف الهی، نابودی غده‌ی سرطانی صهیونیستی را به چشم مشاهده خواهد کرد.^{۳۲} فلسطین قطعاً آزاد خواهد شد و به مردم بر خواهد گشت و در آنجا دولت

^{۳۱} ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

^{۳۲} ۱۴۰۲/۱۲/۰۳



فلسطینی تشکیل خواهد شد؛ در اینها هیچ
تردیدی نیست.^{۳۳}



روش نابودی رژیم صهیونیستی:

تقویت گروه های مقاومت، اصلی ترین کلید امروز به لطف خداوند قدرت و اعتبار گروه های مقاومت فلسطینی و جهاد اسلامی روز افزون شده و شکست اخیر رژیم صهیونیستی در جنگ ۵ روزه مؤید همین موضوع است... جهاد اسلامی فلسطین در نبرد اخیر غزه امتحان خوبی داد و اکنون شرایط برای رژیم صهیونیستی نسبت به هفتاد سال قبل تغییر کرده و سران صهیونیستی حق دارند که نگران ندیدن هشتاد سالگی این رژیم باشند... اقتدار روز افزون گروه های مقاومت در کرانه باختری



کلید اصلی به زانو درآوردن دشمن صهیونیستی است که این مسیر باید ادامه یابد.^{۳۴}

اصلی‌ترین توصیه‌ی اینجانب، توصیه به تداوم مبارزه و سامان بخشیدن به سازمانهای جهادی و همکاری آنان با یکدیگر و گسترش عرصه‌ی جهاد در همه‌ی سرزمین‌های فلسطینی است. همه باید ملت فلسطین را در این جهاد مقدّس یاری کنند. همه باید دست مبارز فلسطینی را پُر، و پشت او را محکم کنند. ما با افتخار، هر چه در توان داشته باشیم در این راه انجام خواهیم داد.^{۳۵}

^{۳۴} ۱۴۰۲/۰۳/۲۴

^{۳۵} ۱۳۹۹/۰۳/۰۲



مقاومت یعنی چه؟

حالا اوّل بگویم مقاومت اصلاً یعنی چه. مقاومت به معنای ایستادگی در مقابل سلطه‌ی آمریکا و هر سلطه‌گر دیگری است؛ این معنای مقاومت است. مقاومت به معنای مبارزه‌ی با وابستگی به این قدرتها است؛ مقاومت یعنی ملّتها نوکرِ قدرتِ برتری مثل آمریکا و امثال اینها نشوند؛ این معنای مقاومت است. مقاومت به این معنا، در باور ملّتهای منطقه ریشه دارد. به دولتها کار ندارم؛ ملّتها برای مقاومت اهمّیت قائلند؛ ریشه‌ی مقاومت، در ایمان ملّتها و باور آنها است^{۳۶}.



مبارز فلسطینی می تواند اسرائیل را شکست دهد.
د. یک روز تشخیص ما این شد که مبارز
فلسطینی، دین و غیرت و شجاعت دارد و تنها
مشکل او دستِ تهی از سلاح او است. به
هدایت و مدد الهی برنامه‌ریزی کردیم و نتیجه
این است که موازنه‌ی قدرت در فلسطین
دگرگون شد و امروز غزه می‌تواند در برابر تهاجم
نظامی دشمن صهیونیست بایستد و بر آن
پیروز شود. این تغییر معادله در بخش موسوم
به سرزمین‌های اشغالی خواهد توانست
قضیه‌ی فلسطین را به گام‌های نهایی نزدیک
کند. تشکیلات خودگردان در این امر، تکلیفی
بزرگ برعهده دارد. با دشمن وحشی جز با
اقتدار و از موضع قدرت نمیتوان سخن گفت، و
زمینه‌ی این اقتدار بحمدالله در ملت شجاع و
مقاوم فلسطین آماده است. جوانان فلسطینی



امروز تشنه‌ی دفاع از کرامت خویشند. حماس و جهاد اسلامی در فلسطین و حزب‌الله در لبنان، حجت را بر همه تمام کرده‌اند. دنیا فراموش نکرده و نخواهد کرد آن روزی را که ارتش صهیونیست، مرزهای لبنان را شکست و تا بیروت پیش آمد و آن روزی را که قاتل جنایت‌کاری به نام آریل شارون در صبرا و شتیلا حمام خون به راه انداخت، و نیز فراموش نکرده و نخواهد کرد آن روزی را که همین ارتش در زیر ضربات کوبنده‌ی حزب‌الله چاره‌ای جز این نیافت که با دادن تلفات فراوان و با اعتراف به شکست، از مرزهای لبنان عقب‌نشینی کند و برای آتش‌بس به التماس بیفتد؛ دست پُر و موضع قدرت یعنی این. حال بگذار فلان دولت اروپایی که باید به خاطر فروش موادّ شیمیایی به رژیم صدام تا ابد شرمسار باشد، حزب‌الله



مجاهد سرافراز را غیر قانونی بداند. غیر قانونی، رژیم‌ی مثل آمریکا است که داعش را تولید میکند و رژیم‌ی مثل آن دولت اروپایی است که هزاران نفر در بانه‌ی ایران و حلبچه‌ی عراق بر اثر موادّ شیمیایی‌اش به کام مرگ میروند^{۳۷}.

وحدت

خب، مسئله‌ی رژیم صهیونیستی هم مسئله‌ی دیگری است؛ آن هم یکی از مسائل این منطقه است؛ حالا ما درباره‌ی آمریکا گفتیم. رژیم صهیونیستی لبریز از کینه و غیظ است؛ نه فقط نسبت به ما؛ حالا ما که اهمّیت نمیدهیم، نسبت به جمهوری اسلامی که خب معلوم و واضح است، امّا نسبت به کشورهای دیگر هم



همین‌جور است. این‌جور نیست که رژیم صهیونیستی از کشورهای دُوروبر خودش خرسند و خشنود باشد؛ نه، آنها از مصر هم کینه دارند، از سوریه هم کینه دارند، از عراق هم کینه دارند. چرا؟ [چون] هدف آنها «از نیل تا فرات بود»؛ خب نشده. این کشورها در برهه‌های مختلف به دلایل مختلف نگذاشتند؛ [لذا] اینها سرشار از کینه‌اند، سرشار از غیظند. البتّه قرآن میگوید: قُلْ مَوْتُوا بِغَيْظِكُمْ؛ بله، خشمگین باشید و از خشم بمیرید؛ و همین هم خواهد شد، دارند می‌میرند. بعون‌الله این «قُلْ مَوْتُوا بِغَيْظِكُمْ» در مورد رژیم صهیونیستی در حال تحقّق است. خب پس مسئله‌ی وحدت اینجا هم تأثیر مهم می‌گذارد^{۳۸}.



تکیه‌ی این جلسه و این هفته بر روی وحدت بین مسلمین و اتحاد بین مسلمین است. خب درباره‌ی اتحاد بین مسلمین خیلی صحبت شده؛ ماها گفته‌ایم، دیگران گفته‌اند، همه گفته‌اند. من فقط یک نکته‌ی کوتاهی را در این زمینه می‌خواهم امروز مطرح کنم: دشمن اتحاد کیست؟ روی این تکیه کنیم. کیست که اتحاد مسلمین به او ضرر میزند؟ روی این فکر کنیم. دشمنان اتحاد مسلمین آن کسانی هستند که اگر کشورهای اسلامی و دولتهای اسلامی با هم متحد بشوند، آنها ضرر می‌بینند، نمیتوانند دست‌اندازی کنند، دست‌درازی کنند، غارتگری کنند، مشکل پیدا میکنند؛ [دشمنان اتحاد مسلمین] آنها هستند. البته کشورهای اسلامی دایره‌ی وسیعی دارند؛ حالا من همین منطقه‌ی خودمان - غرب آسیا و شمال آفریقا - همین



منطقه‌ی محدود را عرض میکنم. اگر کشورهای همین منطقه با هم متحد باشند، کدام قدرت بین‌المللی است که دیگر نمیتواند زورگویی بکند، نمیتواند دزدی بکند، نمیتواند در امور داخلی و خارجی کشورها دخالت بکند؟ آن قدرت کیست؟ آمریکا؛ معلوم است دیگر.

اگر کشورهایی مثل ایران، مثل عراق، مثل سوریه، مثل لبنان، مثل کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، مثل عربستان، مثل مصر، مثل اردن، یک خطّ مشی واحدی را در مسائل اساسی و کلیّ خودشان اتخاذ کنند، قدرتهای زورگو نمیتوانند در امور داخلی اینها یا در سیاست خارجی اینها دخالت کنند؛ الان دخالت میکنند. الان آمریکا ضربه‌ی اقتصادی میزند، ضربه‌ی سیاسی میزند، نفت سوریه را میدزدند



میبرند، داعشِ ظالمِ وحشی و خونخوار را، در اردوگاه‌های خودشان نگه میدارند، حفظ میکنند برای روزی که [اگر] باز به آن احتیاج داشته باشند، بیاورند درون میدان و به جان این و آن بیندازند؛ از این کارها دارند میکنند. در سیاست خارجیِ دولتهای منطقه دخالت میکنند که این کار را نکنید، این کار را نکنید؛ حتّی در بعضی از کشورها، در سیاستهای داخلی‌شان هم دخالت میکنند. اگر ما همه با هم متحد باشیم و یک خطّ مشی را انتخاب کنیم، آمریکا نمیتواند این کارها را بکند، جرئت نمیکند وارد بشود. روی این مسئله [باید] فکر بشود؛ سران کشورها، سیاستمداران، نخبگان، صاحب‌نظران روی این مسئله فکر کنند، منافعش را بسنجند. مطمئناً هیچ کشوری مایل نیست که یک قدرت خارجی در مسائل او، در



سیاست او، در خطّ مشی او امر و نهی کند و دخالت کند؛ معلوم است، امّا ناچار تن میدهند. چرا؟ چون تنهایند. اگر چنانچه دست در دست یکدیگر باشند، دولتها پشت به پشت یکدیگر بدهند، با هم باشند و همراه باشند، میتوانند در مقابل دخالت و فضولی و دست‌درازی قدرتهایی مثل آمریکا ممانعت کنند، مانع ایجاد کنند؛ میشود^{۳۹}.

ملت‌ها، کلید حل مشکل فلسطین

آنچه در مدّت چهل سال اخیر از سوی رژیم غاصب به کشور و ملت فلسطین وارد آمده، برای تجربه کافی است. کافی است تا ثابت کند که از راه توسّل به قدرت‌های مسلط عالم و وابستگان آنها در منطقه، هیچ امیدی به نجات



فلسطين نیست. انقلاب بزرگ اسلامي ما نشان داد که کلید حل مشکلات بزرگ، در دست خود ملت‌هاست و اراده ي انسان‌هاست که در صورت تکیه به خدا و اعتماد به وعده ي ال-هي، بر تدبیر و خواست قدرت هاي مسلط غلبه خواهد کرد و امروز با حوادثي که در نقاط متعددي از جهان رخ داده، نقش ملت ها بیش از پیش به اثبات رسیده است. در برابر درنده خويي رژیم صهيونيست غاصب فلسطين، تنها اراده ي ملت فلسطينست که مي تواند بایستد و با مقاومت مردانه ي خود، دشمن را به عقب نشيني و قبول شکست وادار سازد^{۴۰}.



همه پرسى از همه اديان و اقوام فلسطينى

فلسطين متعلق به فلسطينيان است، و بايد با اراده‌ى آنان اداره شود. طرح همه‌پرسى از همه‌ى اديان و اقوام فلسطينى - که از نزديک به دو دهه‌ى پيش از اين ارائه کرده‌ايم - تنها نتيجه‌اى است که بايد بر چالشهاى امروز و فرداى فلسطين مترتب شود. اين طرح نشان مي‌دهد که ادّعاى يهودى ستيزى که غربيان با بوقهاى خود آن را تکرار ميکنند، بکلى بى‌اساس است. در اين طرح، فلسطينيان يهودى و مسيحى و مسلمان، در کنار هم در يک همه‌پرسى شرکت و نظام سياسى کشور فلسطين را تعيين ميکنند؛ آنچه قطعاً بايد برود نظام صهيونيستى است و صهيونيسم، خود



بدعتی در آئین یهود و کاملاً بیگانه از آن است.^{۴۱}

اما جمهوری اسلامی با اتکاء به عقلانیت، منطق و همچنین تجربیات تاریخی و سیاسی، راه حل و راهکار روشنی برای حل مسئله دارد. راه حل دموکراتیک که مبتنی بر خواست، اراده و رأی مردم حقیقی فلسطین است: «راه حل منطقى راه حلّی است که همه وجدانهای بیدار دنیا و همه کسانی که به مفاهیم امروز دنیا معتقدند، ناچارند آن را قبول کنند... راه حلّ نظرخواهی از خود مردم فلسطین؛ همه کسانی که از فلسطین آواره شده اند؛ البته آنهایی که مایلند به سرزمین فلسطین و به خانه خودشان برگردند. این یک امر منطقى است. این کسانی



که در لبنان و در اردن و در کویت و در مصر و در بقیه کشورهای عربی سرگردانند، به کشور و به خانه خودشان فلسطین برگردند - آنهایی که مایلند؛ نمیگوییم کسی را به زور بیاورند - و از کسانی که قبل از سال ۱۹۴۸ که سال تشکیل دولت جعلی اسرائیل است، در فلسطین بوده‌اند - چه مسلمانان، چه مسیحیان، چه یهودیشان - نظرخواهی شود. اینها در یک نظرخواهی عمومی، رژیم حاکم بر سرزمین فلسطین را تعیین کنند. این دموکراسی است. چطور برای همه دنیا دموکراسی خوب است، برای مردم فلسطین دموکراسی خوب نیست؟!... مردم فلسطین جمع شوند، رأی بدهند و نوع رژیمی را که در این کشور باید حاکم باشد، انتخاب کنند. آن رژیم و آن دولت، تشکیل شود و درباره کسانی که بعد از سال



۱۹۴۸ به سرزمین فلسطین آمده‌اند، تصمیم‌گیری کند؛ هر چه تصمیم گرفت. اگر تصمیم گرفت بمانند، پس بمانند، اگر هم تصمیم گرفت بروند، پس بروند. این، هم آراء مردم است، هم دمکراسی است، هم حقوق بشر است، هم منطبق با منطق فعلی دنیاست^{۴۲}. و این همان نابود شدن و از بین رفتن رژیم باطل و جعلی صهیونیستی است که امروز بر سر کار است^{۴۳}.

بنابراین: از بین رفتن رژیم صهیونیستی هم به‌هیچ‌وجه به معنای قتل‌عام کردن مردم یهودی در آن منطقه نیست... یعنی یک

^{۴۲} ۱۳۸۱/۰۱/۱۶

^{۴۳} ۱۳۹۷/۰۳/۲۵



رفراندمی انجام بگیرد، رژیم حاکم بر این منطقه را رفراندم معین کند، مردم معین کنند؛ معنای از بین رفتن رژیم صهیونیستی یعنی این؛ سازوکار آن این است^{۴۴}.



عدم اعتماد به غربی ها

هر چند بهره گرفتن از هر امکان حلال و مشروع در این مبارزه مُجاز است و از جمله حمایت‌های جهانی، ولی مؤکّداً باید از اعتماد به دولتهای غربی و نیز مجامع جهانی ظاهراً یا باطناً وابسته‌ی به آنها پرهیز کرد. آنها با هر موجودیّت اثرگذار اسلامی دشمنند؛ آنها به حقوق انسانها و ملّتها بی‌اعتنایند؛ آنها خود عاملِ بیشترین خسارتهای و جنایتهای به امت اسلامی‌اند؛ هم‌اکنون کدام نهاد جهانی یا کدام قدرت جنایت‌کار پاسخگوی ترورها، قتل‌عام‌ها، جنگ‌افروزی‌ها، بمبارانها، و قحطی‌های



مصنوعی در چندین کشور اسلامی و عربی
است؟^{۴۵}

حساب صهیونسیم از یهود جداست

در قضیه‌ی رژیم اشغالگر، جمال عبدالناصر، شعار میداد که ما یهودی‌ها را میریزیم به دریا، یعنی [وقتی] میخواست علیه اسرائیل حرف بزند، میگفت یهودی‌ها را میریزیم به دریا؛ جمهوری اسلامی از روز اوّل چنین حرفی نزده.^{۴۶} البته یهودستیز نبودن به معنای دوستی با صهیونیست‌هایی که با زور و خشونت ساکن سرزمین‌های اشغالی شده‌اند نیست: «مردم اسرائیل کی‌هایند؟^{۴۷} کسانی هستند که غصب خانه، غصب سرزمین، غصب

^{۴۵} ۱۳۹۹/۰۳/۰۲

^{۴۶} ۱۳۹۷/۰۳/۲۰

^{۴۷} ۱۳۹۷/۰۳/۲۰



مزرعه، غصب تجارت به وسیله‌ی همین‌ها دارد انجام میگیرد. سیاهی لشکرِ عناصر صهیونیسم، همین‌ها‌اند. نمیشود ملت مسلمان نسبت به افرادی که اینجور عامل دست دشمنان اساسی دنیای اسلام هستند، بیتفاوت باشد. نه، ما با یهودیها هیچ مشکلی نداریم، با مسیحیها هیچ مشکلی نداریم، با اصحاب ادیان در دنیا هیچ مشکلی نداریم؛ اما با غاصبان سرزمین فلسطین چرا؛ مشکل داریم. غاصب هم فقط رژیم صهیونیستی نیست. این موضع نظام است^{۴۸}.

حمایت ایران از مبارزه با صهیونیسم

صریح میگوئیم. ما در قضایای ضدیت با اسرائیل دخالت کردیم؛ نتیجه‌اش هم پیروزی



جنگ سی و سه روزه و پیروزی جنگ بیست و دو روزه بود. بعد از این هم هر جا هر ملتی، هر گروهی با رژیم صهیونیستی مبارزه کند، مقابله کند، ما پشت سرش هستیم و کمکش میکنیم و هیچ ابائی هم از گفتن این حرف نداریم. این حقیقت و واقعیت است.^{۴۹}



شبهات:

مقاومت در برابر اسرائیل جواب نمی دهد و
باید بازنگری کرد

اما گاه مشاهده میکنیم که برخی از جریانها و حتی کشورهای که در ظاهر ادّعی همراهی با مسئلهی فلسطین را دارند، ولی در حقیقت درصددند تا مسیر درست این ملّت را منحرف کنند، به مقاومت حمله میکنند. ادّعی آنان این است که مقاومت در پی چند دهه از عمر خود، هنوز نتوانسته است آزادی فلسطین را محقق سازد؛ پس این روش نیازمند بازنگری است! در پاسخ باید گفت: درست است که مقاومت هنوز نتوانسته به هدف غائی خود یعنی آزادی کلّ فلسطین دست یابد، لیکن مقاومت توانسته است مسئلهی فلسطین را



زنده نگه دارد. باید دید اگر مقاومت نبود، اینک در چه شرایطی به سر میبردیم؟ مهم‌ترین دستاورد مقاومت، ایجاد مانع اساسی در برابر پروژه‌های صهیونیستی است. موفقیت مقاومت، در تحمیل یک جنگ فرسایشی به دشمن است، یعنی توانسته برنامه‌ی اصلی رژیم صهیونیستی را که سیطره بر کلّ منطقه بود، به شکست بکشاند. در این روند، باید بحق، از اصل مقاومت و سلحشورانی که در دوره‌های مختلف و از همان ابتدای اجرای پرده‌ی تأسیس رژیم صهیونیستی به مقاومت پرداختند و با تقدیم جان خود، پرچم مقاومت را برافراشته نگاه داشته و نسل به نسل آن را منتقل کردند، تجلیل شود. نقش مقاومت در دوره‌های بعد از اشغال بر کسی پوشیده نیست و یقیناً نمیتوان حتی نقش مقاومت را در



پیروزی ولو مختصرِ جنگ سال ۱۳۵۲ مصادف با ۱۹۷۳ میلادی نادیده انگاشت؛ و از سال ۱۳۶۱ مصادف با ۱۹۸۲ میلادی که عملاً بار مقاومت بر دوش مردم داخل فلسطین قرار گرفت، مقاومت اسلامی لبنان - حزب الله - از راه رسید تا یاریگر فلسطینیان در مسیر مبارزاتی‌شان باشد. اگر مقاومت، رژیم صهیونیستی را زمین‌گیر نکرده بود، اینک شاهد دست‌اندازی آن به دیگر سرزمین‌های منطقه بودیم؛ از مصر گرفته تا اردن و عراق و خلیج فارس و غیره؛ آری این دستاورد بسیار مهم است، اما این تنها دستاورد مقاومت نیست و آزادی جنوب لبنان و آزادی غزه، تحقق دو هدف مرحله‌ای مهم در روند آزادی فلسطین به شمار میرود که توانسته است روند گسترش جغرافیایی رژیم صهیونیستی را معکوس



گرداند. از اوایل دهه‌ی ۶۰ هجری شمسی مصادف با دهه‌ی ۸۰ میلادی به بعد، دیگر نه‌تنها رژیم صهیونیستی قادر نبوده است به سرزمین‌های جدیدی دست‌اندازی کند، بلکه عقب‌گرد آن با خروج ذلّت‌بار از جنوب لبنان آغاز شد و با خروج ذلّت‌بار دیگر از غزه استمرار یافت. هیچ‌کس نمیتواند منکر نقش اساسی و تعیین‌کننده‌ی مقاومت در انتفاضه‌ی نخست باشد. در انتفاضه‌ی دوّم نیز نقش مقاومت، اساسی و برجسته بود. انتفاضه‌ای که در نهایت، رژیم صهیونیستی را وادار کرد تا از غزه خارج شود. جنگ ۳۳ روزه‌ی لبنان و جنگ‌های ۲۲ روزه، ۸ روزه و ۵۱ روزه در غزه، همگی صفحات درخشانی از کارنامه‌ی مقاومت است که موجب افتخار تمام ملّتهای منطقه، جهان



اسلام و همه‌ی انسانهای آزادی‌خواه جهان است.^{۵۰}

فلسطین یک مساله داخلی/محلّی است و ربطی به ما ندارد

هر کس در دنیای اسلام، امروز قضیه ی غزه را يك قضیه ی منطقه اي و شخصي و محلي بداند، دچار همان خواب خرگوشي اي است که پدر ملت ها را تا حالا در آورده است. نه، این قضیه ی غزه، فقط قضیه ی غزه نیست؛ قضیه ی منطقه است. فعلاً آنجا نقطه ی ضعیف ترست، تهاجم را از آنجا شروع کردند و اگر موفق شدند، دست از سر منطقه بر نمی دارند. دولت های کشورهای مسلمانى که حول و حوش آن منطقه هستند و کمکی که باید بکنند



و مي توانند بکنند، نمي کنند، دارند اشتباه مي کنند؛ اشتباه مي کنند.

هر چه در اين منطقه ميخ اسرائيل بيشتتر فرو برود، تَسْلُطُ استکبار بيشتتر بشود، بدبختي اين دولت ها و ضعف و ذِلَّت اين دولت ها بيشتتر خواهد شد. چرا ملتفت نيستند و دولت ها، ملت ها را هم دنبال خودشان به ذِلَّت مي کشانند. يك دولت ذليل و مطيع و وابسته، يك ملت را مطيع و ذليل و وابسته مي کند. اينست که ملت ها بايد به خود بيايند^{۵۱}.

ما از فلسطينی ها که فلسطينی تر نيستيم

بنده از زمان رياست جمهوري خودم اين چالش را با بعضي از اين کشورهايِ عربي داشتم.



حرفي را مطرح کردم؛ اما دولت هايِ اين کشورها مي گفتند: ما از فلسطيني ها که فلسطيني تر نيستيم! هر چه خود آنها بخواهند، بايد انجام شود. البته آن وقت مذاکرات سازش به اين شکل مطرح نبود؛ اما نشانه هايِ سازش پيدا بود.

اولاً مسأله يِ فلسطين، يك مسأله يِ دنياي اسلامست. غير از جنبه هايِ

سياسي و امنيتي و اقتصادي، مسأله يِ تکليف الـهي و اسلامي است. بالا تر از همه، مسأله يِ خدايي است؛ اما اگر کسي به خدا هم اعتقادي نداشته باشد و بخواهد فقط براي مردم فلسطين کار کند، بايد ببيند آحاد مردم فلسطين چه مي گویند: امروز ملت فلسطين همان هايي هستند که دستگير شده هايشان



در زندان هاي دولت غاصب هستند و ده ها برابر آنها در خيابان ها و در مسجدالاقصي و در بازارها و در سرتاسر سرزمين غصب شده شعار مي دهند و عمليات مي كنند.

يك اقليت كوچكِ تظميع شده كه رفتند سازش كردند، ملت فلسطين نيستند كه ما بگويم: ما از فلسطيني ها فلسطيني تر نيستيم. در همان سيزده، چهارده سال پيش، من يادمست يكي از دولت هاي عرب - حالا نمي خواهم اسم بياورم - كه آن روز نشان نمي داد يك دولت رو به فساد است - چون سوابق انقلابي داشت - اين حرف را زد. بنده همان وقت استشمام كردم اينها انحراف پيدا مي كنند؛ بعد هم



انحرافشان آشکارتر شد، که حالا دیگر نمی‌خواهیم بعضی از خصوصیات را ذکر کنیم.^{۵۲}

فلسطینیان زمین های خود را قبلاً فروخته اند

عکس آن اوضاع، در اینجا انجام گرفت! در اینجا، قدرتمندان عالم به این غصب بزرگ و ظلم بی نظیر کمک کردند. آنها به این حرکتی که شبیه آن در دنیای معاصر و حتّی در گذشته هم اتّفاق نیفتاده است، کمک کردند. تلخ تر این که، بیرون راندن مردم فلسطین از سرزمین خودشان، به حالت عادی هم انجام نگرفت .

يك وقتست که مي آیند زمینهایشان را مي خرنند؛ پولش را مي دهند و مي گویند: «باید بروید» البته این هم ظلمست، این هم



غصبست؛ اما اینطور هم عمل نکردند. شبانه رفتند و يك ده را با اهلش سوزاندند! هر که توانست خودش را نجات دهد، نجات داد و هر که ماند،

قضيه ي «ديرياسين» راستست؛ قضيه ي «كفرقاسم» راستست؛ روستا هايي را که صهيونيست ها آتش زدند، حقيقت دارد. همين کار را کردند. نخست وزير اسبق صهيونيست که همين روزها و همين اواخر به درك واصل شد و امريکايي ها به خاطر مرگ او اظهار تأسّف کردند، يکي از کساني بود که در نابود کردن و آتش زدن روستا ها و خانه هاي مردم فلسطين، دخالت داشت. تبليغات جهاني، گنگ شدند و اين حادثه ي تلخ را نگفتند: تا مردم دنيا پي نبرند که در اين گوشه



ي دنیا چه ائتفاقي افتاده است. يك ملت بي
پناه و مظلوم، مواجه با زور و قلدري و دروغ و
فريب شد و اين دروغ و فريب و زور و قلدري،
تا امروز هم ادامه دارد^{۵۳}.



خاتمه:

انقلاب ایران، مادر همه انقلاب های اسلامی

انقلاب ایران، مادر همه ی انقلابهای اسلامی در سراسر این منطقه شده است و خواهد شد. بعد از پیروزی انقلاب شما، احساسات اسلامی و ایمانی در سراسر این منطقه به جوش آمده است. امروز جنبشهای آزادی بخش بر مبنای ایدئولوژی اسلام در منطقه اینجا و آنجا به وجود آمده و آتشها شعله ور شده است، اما شما باید ادامه بدهید، ملت ایران باید بداند که این فرزندان به کمک او خواهند شتافت. ای مادر انقلابهای اسلامی جهان عرب و جهان اسلام! ای انقلاب اسلامی ایران! و ای ملت بزرگ مسلمان در ایران! و ای رهبر عظیم الشان! بی گمان آن کسانی که زائیده ی



این انقلابند؛ یعنی انقلابهای دیگری که در سراسر کشورهای مسلمان‌نشین به وقوع پیوسته است و به وجود آمده است و خواهد آمد، اینها به کمک انقلاب اسلامی ایران می‌آیند، اما انقلاب اسلامی ایران باید راه خود را ادامه بدهد. ما باید آمریکا را مأیوس کنیم و دیدیم که میتوانیم مأیوس کنیم.^{۵۴}

و من امروز به نام شما مردم تهران و به نام ملت ایران در این تریبون میلیونی عظیم، در این اجتماع میلیونی بزرگ در روز قدس به همه‌ی کسانی که به‌عنوان میهمانان عزیز ما در روز قدس به این جمعیت، به این کشور و به خانه‌ی اسلامی خود آمده‌اند اعلام میکنم؛ بروید سلام مسلمانان انقلابی ایران را به مردم



کشورهای خود برسانید، تجربه‌ی ما و معجزه‌ی خدا درباره‌ی ما را به آنها بگویید، آنها را وادار کنید که حرکت کنند، همچنان که امام امت فرمودند یک میلیارد مسلمان، یک میلیارد انسان، نیروی عظیم و شگفت‌انگیزی است برای دنیای امروز، اگر هر کدامی یک ریگ، یک سطل آب، همان‌طوری که امام امت فرمودند و همان‌طوری که در سال گذشته در مثل چنین روزی مرحوم آیت‌الله طالقانی (رضوان‌الله‌علیه) گفتند که هر کدام از ما اگر یک ریگ بیندازیم به طرف دولت اسرائیل، مسلّم این شیطان را زیر تلّ ریگها دفن خواهیم کرد^{۵۵}.